

کیفیت نماز پیامبر (ص)

فاطمه سادات لنکرانی

دبیر دبیرستان شهید طهماسبی تهران

می‌گفت و دست‌ها را تا برابر شانه بالا می‌برد. پس از آن به رکوع می‌رفت و دو کف دست را بر زانوها می‌گذاشت و در حال اعتدال، که نه سرش را بالا می‌گرفت و نه پایین می‌انداخت، رکوع را انجام می‌داد. سپس از رکوع سر بلند می‌کرد (می‌ایستاد) و می‌گفت: سمع الله لمن حمده. آن‌گاه دست‌ها را تا برابر شانه‌ها بالا می‌برد و تکبیر می‌گفت. سپس (برای سجده) متوجه زمین می‌شد و دست‌هایش را (در سجده) از پهلوهایش جدا می‌گرفت. آن‌گاه سر از سجده برمی‌داشت و پای چپش را خم می‌کرد و بر آن می‌نشست. انگشتان پاهایش را در سجده باز می‌نمود و سجده دوم را نیز همین‌گونه انجام می‌داد و پس از سجده، تکبیر می‌گفت. سپس پایش را خم کرده بر آن می‌نشست؛ در حالی که هر عضوی به حال اعتدال قرار می‌گرفت. رکعت بعدی را هم به همین کیفیت انجام می‌داد و پس از دو رکعت در حال قیام تکبیر می‌گفت و دست‌هایش را تا برابر شانه‌ها بالا می‌برد، همان‌گونه که تکبیر افتتاحیه را انجام می‌داد و در بقیه نمازش نیز همین‌طور عمل می‌کرد تا به سجده آخر. پس از آن سلام می‌گفت، پای چپ را عقب قرار می‌داد و بر سمت چپ بر وِرک^۱ می‌نشست.

همه گفتند: ابوحمید راست گفت، رسول خدا (ص) بدین‌گونه نماز می‌گزارد.^۲ این بود حدیثی در مقام بیان کیفیت نماز رسول خدا (ص) که از طریق اهل سنت روایت شده است و وجه دلالت آن را دانستیم. اکنون به حدیثی که شیعه امامیه روایت کرده است، توجه کنید.

ب. حدیث حماد بن عیسی

حماد بن عیسی از امام جعفر صادق (ع) روایت

با اینکه به جز مالکی‌ها، مذاهب دیگر اهل سنت قرار دادن دست چپ بر دست راست را در نماز جایز شمرده و درباره این مسئله سخن بسیار گفته‌اند، دلیل قانع‌کننده‌ای حتی بر جواز آن ندارند، چه رسد بر استحباب آن. می‌توان ادعا کرد که دلایلی برخلاف ادعای آنان وجود دارد و روایاتی که فریقین (شیعه و سنی) از طریقه نمازگزاردن رسول اکرم (ص) بیان کرده‌اند، از گذاشتن دست‌ها بر یکدیگر سخنی به میان نیاورده‌اند و امکان ندارد که پیامبر (ص) در طول حیات خود امری مستحب را (یا بخشی از آن را) ترک نماید. اکنون روایتی از طریق اهل سنت و روایتی از طریق شیعه امامیه را ذکر می‌کنیم. با این توضیح که در روایت اهل سنت، کوچک‌ترین اشاره‌ای به روی هم قرار دادن دست‌ها نشده است، چه رسد به چگونگی آن.

الف. حدیث ابی حمید ساعدی

حدیث ابی حمید ساعدی را برخی از محدثان (سنی) روایت کرده‌اند و ما از کتاب سنن بیهقی نقل می‌کنیم که گفت: «او رو به اصحاب پیامبر کرد و گفت: من داناترین شما به نماز رسول خدا (ص) هستم. گفتند: به چه سبب؟ زیرا تو نه بیش از ما پیرو آن حضرت بوده‌ای و نه افزون‌تر از ما مصاحبتش کرده‌ای. گفت: چرا، گفتند: پس (کیفیت نماز آن حضرت را) بر ما عرضه کن. ابوحمید گفت: رسول خدا (ص) هرگاه می‌خواست به نماز بایستد، دست‌ها را تا برابر شانه‌هایش بالا می‌برد. سپس تکبیر می‌گفت و هنگامی که همه اعضایش به حال اعتدال در جای خود قرار می‌گرفتند به قرائت می‌پرداخت، آن‌گاه تکبیر

هر دو روایت در
صدد بیان کیفیت
نماز واجب است
و در هیچ کدام
کوچک‌ترین
اشاره‌ای به روی
هم گذاشتن
دست‌ها نشده
است. اگر گرفتن
دست سنت بود،
امام صادق (ع) در
بیان خود آن را
ترک نمی‌کرد

کرده که آن حضرت فرمود: چقدر ناپسند است برای مردی که شصت یا هفتاد سال از عمرش بگذرد و یک نماز با شرایط کامل انجام نداده باشد. حماد گفت: «از این سخن امام^(ع) در دلم احساس حقارت کردم و عرضه داشتم فدایت شوم، نماز را (با شرایط کامل) به من تعلیم فرما. پس ابو عبدالله^(ع) (جعفر بن محمد) راست قامت رو به قبله ایستاد و دست‌هایش را با انگشتان بسته روی ران‌هایش انداخت و پاهایش را نزدیک به هم به فاصله سه انگشت باز قرار داد و انگشتان پاهایش همه رو به قبله بود و آن‌ها را از قبله منحرف نمی‌کرد و با خشوع و فروتنی تمام بود. پس تکبیر گفت و سوره حمد و قل هو الله احد را با ترتیل قرائت کرد، سپس به اندازه نفس کشیدنی در حال قیام صبر کرد و پس از آن تکبیر گفت؛ در حالی که هنوز ایستاده بود. آن‌گاه به رکوع رفت و دو کف دستش را با انگشتان باز روی کاسه زانوهایش قرار داد و زانوها را به عقب داد تا پشتش صاف شد؛ به طوری که اگر قطره‌ای آب یا روغن بر پشتش ریخته می‌شد، به واسطه راست بودن پشتش، به هیچ طرف مایل نمی‌گشت. امام گردنش را (در رکوع) راست گرفت و چشمانش را بست و سه مرتبه با ترتیل تسبیح (سبحان ربی العظیم و بحمده) گفت. سپس راست قامت ایستاد و چون کاملاً به حال قیام درآمد، گفت: «سمع الله لمن حمده» و بعد از آن در همان حال قیام، تکبیر گفت و دست‌ها را تا مقابل صورت بالا آورد. آن‌گاه به سجده رفت و دست‌هایش را قبل از زانوها بر زمین گذاشت و سه مرتبه گفت: «سبحان ربی الأعلی و بحمده»، و (در سجده) عضوی از بدنش را بر عضو دیگر نگذاشت و بر هشت موضع سجده کرد: پیشانی، دو کف دست، دو کاسه زانو، دو انگشت ابهام پا، و بینی، (گذاشتن هفت موضع در سجده بر زمین واجب و گذاشتن بینی بر خاک سنت است که ارغام نامیده می‌شود). سپس سر از سجده برداشت و هنگامی که راست نشست، تکبیر گفت و ساق پای چپ را خم کرده، روی آن نشست و پشت پای راستش را بر کف پای چپ گذاشت و گفت: «استغفر الله ربی و أتوب إليه»، و در همان حال نشسته تکبیر گفت و بعد سجده دوم را مانند سجده اول به جا آورد و همان ذکر تسبیح را در سجده دوم نیز گفت و از عضوی از بدنش برای عضو دیگر در رکوع و سجود کمک نگرفت و در حال سجده دست‌هایش را به صورت بال از بدنش جدا گرفت و ذراع دست‌ها را بر زمین نگذاشت و بدین ترتیب دو رکعت نماز به جا آورد.

سپس فرمود: ای حماد، این‌گونه نماز بخوان، و در نماز به هیچ سویی التفات مکن و با دست‌ها و انگشتانت بازی مکن و آب دهان به راست و چپ یا پیش رویت مینداز.^۳ چنان‌که ملاحظه می‌شود، هر دو روایت در صدد بیان کیفیت نماز واجب است و در هیچ‌کدام کوچک‌ترین اشاره‌ای به روی هم گذاشتن دست‌ها نشده است. اگر گرفتن دست سنت بود، امام صادق^(ع) در بیان خود آن را ترک نمی‌کرد و حال اینکه آن حضرت با عمل خود، نماز رسول خدا^(ص) را برای ما مجسم می‌کرد. چون او از پدرش امام باقر^(ع) و امام باقر^(ع) از پدرانش و آن‌ها از امیرمؤمنان^(ع) و آن حضرت از رسول اعظم - صلوات الله علیهم اجمعین - گرفته‌اند. بنابراین، دست روی دست گذاشتن در نماز بدعت است؛ زیرا گرفتن دست در واقع داخل کردن چیزی است در شریعت، که از شریعت نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱. توژک عبارت است از اینکه انسان در حال نشستن بر روی پای چپ بنشیند، و روی پای راست را بر کف پای چپ قرار دهد.
۲. سنن بیهقی: ۷۲/۲، ۷۳، ۱۰۱، ۱۰۲؛ سنن ابی داود: ۱۹۴/۱، باب افتتاح الصلاة، حدیث ۷۳۰-۷۳۶؛ سنن ترمذی: ۹۸/۲، باب صفة الصلاة.
۳. شیخ حر عاملی: وسائل الشیعه، ۴، باب ۱ از ابواب افعال نماز، حدیث ۱، و باب ۱۷، حدیث ۲۰۱.

**ابو عبدالله^(ع)
(جعفر بن محمد)
راست قامت رو
به قبله ایستاد و
دست‌هایش را با
انگشتان بسته
روی ران‌هایش
انداخت و پاهایش
را نزدیک به هم به
فاصله سه انگشت
باز قرار داد و
انگشتان پاهایش
همه رو به قبله بود**